



History & Culture

تاریخ و فرهنگ

Vol. 52, No. 1, Issue 104

سال پنجاه و دو، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۴

Spring & Summer 2020

بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۹۹-۲۲۱

DOI: <https://doi.org/10.22067/JHISTORY.2021.70455.1046>

شاخصه‌های قلم نستعلیق نزد خوش‌نویسان شیراز در دوره قاجار*

دکتر مجیدرضا مقنی پور^۱

استادیار بخش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Email: mmoghanipoor@yahoo.com

محسن گل آرایش

کارشناسی ارشد پژوهش هنر، موسسه آموزش عالی هنر شیراز

Email: golarayesh@outlook.com

دکتر محمدصادق میرزا ابوالقاسمی

استادیار بخش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Email: abolqasemi.s@gmail.com

چکیده

در میان خطوط اسلامی، خط نستعلیق به‌عنوان دومین قلمی که شاکله آن متکی بر دور و انحنا است، از ابداعات خاص ایرانیان به‌شمار می‌رود. در این میان، شیراز در دوره قاجار به‌عنوان یکی از مراکز اصلی این خط معرفی شد؛ به‌طوری‌که شمار قابل ملاحظه‌ای از هنرمندان خوش‌نویس شیرازی، در این دوره، چه در شیراز و چه در پایتخت، هر یک مروج سبک و شیوه‌ای خاص در نستعلیق بودند. پژوهش پیش‌رو با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی شاخصه‌های قلم نستعلیق در شیراز عصر قاجار می‌پردازد. در این فرآیند، ضمن واکاوی نقش خوش‌نویسان شیرازی در گسترش خط نستعلیق، ویژگی‌های شاخص قلم چهار خوش‌نویس برجسته شیرازی عصر قاجار یعنی آقافتحعلی حجاب شیرازی، میرزا علی نقی شیرازی، میرزا اسدالله شیرازی و محمدحسین شیرازی را آشکار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: خوش‌نویسی، نستعلیق، دوره قاجاریه، شیراز.

* مقاله پژوهشی؛ تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱.
۱. نویسنده مسئول.

Characteristics of Nastaliq script among calligraphers of Shiraz in Qajar period¹

Dr. Majidreza Moghanipour, Assistant Professor, Department of Art, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author)

Mohsen Golarayesh, MA in Arts Research, Shiraz Institute of Higher Education

Dr. Mohammad Sadeq Mirza Abolghasemi, Assistant Professor, Department of Art, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran

Abstract

Among the Islamic calligraphy, Nastaliq script, as the second script whose shape is characterized by roundness and curvature, is one of the notable inventions of Iranians. Meanwhile, in Qajar era, Shiraz was the center of this script. Thus, a raft of Shirazi calligraphers in this period, both in Shiraz and in the capital, promoted a particular style of Nastaliq individually. The present research, adopting a descriptive-analytical method, looks into the characteristics of the Nastaliq script in Shiraz during the Qajar era. In this process, while analyzing the role of Shirazi calligraphers in the expansion of Nastaliq calligraphy, it elaborates on the characteristics of the script introduced by four prominent Shirazi calligraphers at the Qajar era, i.e. Agha Fathali Hijab Shirazi, Mirza Alinaghi Shirazi, Mirza Assadallah Shirazi and Mohammad Hossein Shirazi.

Keywords: Calligraphy, Nastaliq, Qajar period, Shiraz.

مقدمه

تاریخ پیدایی خط نستعلیق را سال‌های پایانی سده هشتم یا اوایل سده نهم می‌دانند و در اکثر رساله‌های خوش‌نویسی و تذکره‌ها، میرعلی تبریزی (د. ۸۵۰ق) را مبدع این قلم معرفی می‌کنند. در این میان، میرزا جعفر بایسنقری ابداع خط نستعلیق را پیش از میرعلی تبریزی دانسته و معتقد بود که «قلم نستعلیق را شیرازیان با تصرف در قلم نسخ ایجاد کرده‌اند و میرعلی تبریزی آن را به تکامل رساند».^۱ اما آنچه که اکثر محققان این حوزه بر آن اجماع دارند این است که قلم نستعلیق پس از قانون‌مندی و تشخیص به‌عنوان یک قلم مستقل توسط میرعلی تبریزی، با تلاش و همت استادانی مانند میرزا جعفر بایسنقری، اظهر تبریزی، سلطان‌علی مشهدی و شاگردانش و همچنین میرعلی هروی و به‌ویژه میرعماد حسنی (د. ۱۰۲۴ق) به اوج تکامل خود در دوره صفوی دست یافت.^۲ در واقع، می‌توان دوره صفوی را دوره باروری و تکامل قلم نستعلیق و عصر قاجار را دوره گسترش آن دانست.^۳ توجه شاهان قاجار به‌ویژه فتحعلی‌شاه را که مخصوصاً از هنر نقاشی و خوش‌نویسی سخاوتمندانه حمایت می‌کرد، شاید بتوان علت اصلی گسترش خوش‌نویسی در این دوران دانست.^۴ در این دوره، شیراز به‌عنوان یکی از مراکز رواج و گسترش خط نستعلیق در جغرافیای فرهنگی به‌شمار می‌رفت؛ به‌طوری‌که شمار قابل‌ملاحظه‌ای از خوش‌نویسان شیرازی، چه در شیراز و چه در پایتخت، هر یک مروج سبک و شیوه‌ای خاص در نستعلیق بودند. در این میان، اگرچه محققانی به این موضوع و خصوصیات نستعلیق خوش‌نویسان شیرازی اشاراتی داشته‌اند، اما به‌ندرت پژوهش‌های جامعی درباره شاخصه‌های قلم نستعلیق خوش‌نویسان شیراز در دوره قاجار صورت پذیرفته است. از همین رو، این پژوهش به منظور نیل به این هدف، با بررسی نمونه‌هایی از آثار به‌جا مانده، به شناسایی و معرفی ویژگی‌های قلم نستعلیق چهار خوش‌نویس برجسته شیرازی عصر قاجار می‌پردازد. مسأله‌ای که این پژوهش درصدد دستیابی به آن است، شناسایی شاخصه‌های قلم نستعلیق خوش‌نویسان شیراز در دوره قاجار است.

در فرایند شناسایی و معرفی ویژگی‌های قلم، ابتدا حروف و مفردات این چهار خوش‌نویس مورد واکاوی قرار می‌گیرد و تفاوت‌ها و شباهت‌های هر کدام مشخص و با قلم میرعماد حسنی مقایسه می‌شود. علت انتخاب قلم میرعماد به‌عنوان سنگ محک، علاوه بر شهرت وافر و رواج قلم وی در میان خوش‌نویسان بعد از وی، توجه و حساسیت ویژه این هنرمند بر ارتباطات بصری عینی و خصوصاً روابط

۱. حبیب‌الله فضائلی، تعلیم خط (تهران: سروش، ۱۳۶۳ش)، ۲۶۵.

۲. همان، ۲۶۵، ۲۶۶.

۳. منصور چهرازی ابوالحسنی، «بررسی روند تاریخی - هنری خط نستعلیق در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷ش، ۱۷۳.

۴. علیرضا هاشمی‌نژاد، سبک شناسی خوش‌نویسان قاجار (تهران: مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن، ۱۳۹۳ش)، ۵۹.

ادراکی و پنهانی عناصر تجسمی به‌ویژه در حروف و مفردات قلم نستعلیق است.^۱ در ادامه، به چگونگی ترکیب‌بندی در آثار هر کدام از این خوش‌نویسان پرداخته می‌شود و شیوه نوشتن کلمات، اندازه آن‌ها (دانگ‌نویسی)، فضای مثبت و منفی میان حروف و کلمات، شناخت مرکزیت قلم و نهایتاً قالب‌های نوشتاری شاخص هر یک مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه‌های مرتبط با موضوع مقاله، تاکنون پژوهشی مستقل به معرفی خوش‌نویسان شیرازی یا شاخصه‌های خوش‌نویسی آنان پرداخته است. در پیشینه‌های مرتبط با تاریخ‌نگاری و معرفی شیوه‌های خط نستعلیق، برخی از منابع به زمینه‌های پیدایش و تحول این خط پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد: آثار و احوال خوش‌نویسان نوشته مهدی بیانی (۱۳۶۳ش)، سبک‌شناسی خوش‌نویسان قاجار نوشته علیرضا هاشمی‌نژاد (۱۳۹۳ش)، «تکوین و تطوّر خط نستعلیق در سده هشتم و نهم هجری قمری» اثر صداقت جباری (۱۳۸۷ش)، «تاملی در جریان‌های آغازین خوش‌نویسی نستعلیق در دوره تیموری» نوشته حاج محمدحسینی و دیگران (۱۳۹۵ش)، دو پایان‌نامه بررسی هنر خوش‌نویسی از صفویه تا قاجار اثر حلیمه غریبی (۱۳۸۸ش) و جایگاه خط نستعلیق در عصر قاجار رضوان لطفی خزایی (۱۳۹۲ش). برخی از این پژوهش‌ها اشاراتی ضمنی به خوش‌نویسان شیراز داشته‌اند. منابع دیگری مانند مقاله «بررسی ویژگی‌های بصری حروف در نستعلیق» نوشته امیر فرید (۱۳۹۴ش) و مقاله «روش‌شناسی نقد خط نستعلیق» نوشته حسین رضوی‌فرد و حسن علی پورمند (۱۳۹۶ش) به معرفی ویژگی‌های سبکی و بصری خطوط خوش‌نویسی و از جمله نستعلیق، در دوران صفوی و قاجار پرداخته‌اند. منصور چهارازی (۱۳۷۷ش) در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی روند تاریخی-هنری خط نستعلیق در ایران به بررسی چگونگی پیدایش مکاتب مختلف خط نستعلیق (با تأکید بر دو شیوه انیسی و خراسانی) در ایران پرداخته است. همچنین حمیدرضا قلیچ‌خانی (۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ش) مجموعه‌هایی از قطعات میرزا اسدالله و محمدحسین شیرازی از خوش‌نویسان مطرح شیراز در عصر قاجار را فراهم آورده است. محمود طاووسی (۱۳۷۴ش) در کتاب آفات‌تحلی حجاب شیرازی و قاسم احسن (۱۳۸۶ش) در پژوهشی با عنوان میرعماد تا حجاب شیرازی به شکلی ویژه به شرح حال و معرفی آثار خوش‌نویسی آقا فتحعلی حجاب شیرازی پرداخته‌اند. در این میان، پژوهش قاسم احسن با رویکرد تحلیلی تری همراه بوده است.

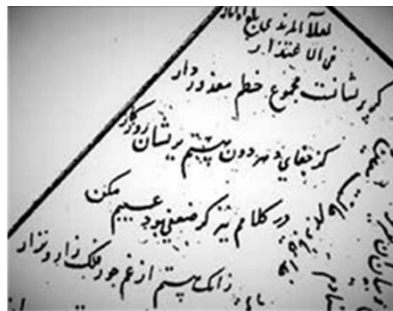
۱. روح‌الله اسحاق‌زاده، حمید صادقیان و الهام روحانی اصفهانی، «مقایسه ارتباطات بصری در خط نستعلیق بین دو شیوه صفوی و معاصر (میرعماد و امیرخانی)»، هنرهای تجسمی (هنرهای زیبا)، شماره ۲۳ (۱۳۹۷ش)، ۴۵.

خط نستعلیق و نقش خوش‌نویسان شیراز در تحول آن

قلم نستعلیق از حدود قرن دهم هجری تا امروز متداول‌ترین خط خوش نزد ایرانیان بوده است. بسیاری از تذکره‌نویسان بر این عقیده‌اند که واضع خط نستعلیق میرعلی بن حسن تبریزی (د. ۸۵۰ق) از خوش‌نویسان بنام دوره تیموری است و ابداع آن را به اوایل قرن نهم هجری قمری نسبت می‌دهند. این تذکره‌نویسان برای این ادعای خود، به شعر سلطان‌علی مشهدی استناد کرده‌اند:

نسخ تعلیق اگر خفی و جلی است
واضع الاصل، خواجه میرعلی است
تا که بوده است در عالم و آدم
هرگز این خط نبوده در عالم
وضع فرموده او به ذهن دقیق
از خط نسخ و از خط تعلیق

برخی از پژوهشگران معاصر به استناد آثار و مکتوبات باقی‌مانده از قرون هشتم و نهم هجری نظری با تذکره‌ها و سلطان‌علی مشهدی هم‌عقیده نیستند.^۱ به عقیده این پژوهشگران، خوش‌نویسان شیرازی که میراث‌دار هنر دیلمیان بودند، به‌ویژه به دلیل حمایت حاکمان همدوستی چون ابواسحاق اینجو (حک: ۷۴۲-۷۵۴ق) و شاه‌شجاع مظفری (حک: ۷۵۹-۷۸۶ق)، در طرح‌اندازی، ترویج و اعتلای نستعلیق کوشیده‌اند. بیاض‌های تاج‌الدین احمد در سال ۷۸۲ق و علاء مرندی در سال ۷۹۲ق، نمونه‌هایی از شکل‌های اولیه نستعلیق را در خود محفوظ دارند و مطالعه و بررسی این خطوط تا حدودی خاستگاه اولیه این خط را در قرن هشتم هجری آشکار می‌سازد (تصویر ۱).



تصویر ۱) بیاض علاء مرندی ۷۹۲ق به قلم نستعلیق طریق شیرازی (افشار، ۶۴)

۱. همایون حاج محمدحسینی، محمد خزانی و مسعود وحدت‌طلب، «تأملی در جریان‌های آغازین خوش‌نویسی نستعلیق در دوره تیموری»، مباحث نظری هنرهای تجسمی، شماره ۵ (۱۳۹۷ش): ۱۲۳-۱۴۰.



تصویر ۲) سمت چپ، برگی از جنگ اشعار به قلم معروف بغدادی، احتمالاً به سال ۷۸۴ تا ۷۸۸ ق (نک برگ موجود در کاخ موزه گلستان)

انتقال حکومت از شیراز به بغداد و تبریز (میان حاکمان مظفری، جلایری و تیموری)، عامل مهمی برای آشنایی استادان با دستاوردهای هنری یکدیگر و انتقال سبک و تجربه‌های هرکدام به دیگری بود که این اتفاق، مورد استقبال حاکمان هنردوست بوده است. همچنان که سلطان احمد، حاکم جلایری که کارگاه کتابت و کتاب‌آرایی موفق و پررونقی داشت، در کارگاه خود از نستعلیق‌نویسان چیره‌دستی، مانند میرعلی تبریزی و معروف بغدادی بهره برده است. معروف بغدادی از جمله خوش‌نویسانی بود که نخست در دربار شاه شجاع به خدمت مشغول بود؛ اما با قیام سلطان احمد جلایر در سال ۷۸۴ ق تا پایان عمر سلطان احمد، در دربار وی به سر برد. پس از مرگ سلطان احمد، معروف بغدادی به دربار اسکندر سلطان تیموری، حاکم فارس آمده و رئیس کتابخانه اسکندر در شیراز شد. او که خود متأثر از خوش‌نویسان شیرازی بود، در تکوین خط نستعلیق مؤثر بوده است^۱ (تصویر ۲). فضائلی در کتاب تعلیم خط، از قول میرزا جعفر تبریزی (بایسنقری)، تأثیرپذیری خوش‌نویسان تبریز از شیرازی‌ها را تأیید کرده است: «بباید دانست که نسخ تعلیق، اصل او، نسخ است، جماعتی شیرازیان در آن تصرف کردند و کاف مسطح و ارسال اذیال سین و لام و نون از او بیرون بردند و سین قوسی و کثرت مدات از خطوط دیگر درآوردند و غث و سمین در او رعایت کردند و آن را خطی دیگر ساختند و نسخ تعلیق نام کردند و مدتی بر آن گذشت. بعد از آن تبریزیان در آن طریق که شیرازیان وضع کرده بودند، تصرف کردند و آن را اندک اندک نازک می‌ساختند و اصول و قواعد آن را وضع می‌کردند؛ تا نوبت به خواجه امیرعلی التبریزی شکر الله سعیه رسید و او این خط را به کمال رسانید»^۲.

همچنین یعقوب بن حسن سراج شیرازی در کتاب تحفة المحبین (در سال ۸۵۸ ق)، به دو طریق

۱. میرزا حسن حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، با تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش).

۲. فضائلی، تعلیم خط، ۲۶۵.

(سبک) تبریزی و شیرازی در خط نستعلیق اشاره کرده است: «... و نسخ تعلیق تبریزی و شیرازی که طریق تبریزی موضوع خواجه میرعلی تبریزی است و مولانا جعفر تبریزی بایسنقری به‌نهایت آن موفق گشته و طریق شیرازی که وضع آن هم از اقلام اهتمام اساتید شیراز، در سلک خطوط انحراف یافته و استاد این ضعیف [مولانا صدرالدین روزبهان شیرازی] به مرتبه‌ای نازک نوشته که عقل از ادراک چگونگی قلم آن به صدگونه قصور اعتراف می‌نماید و حضرت استاد محرر این رساله می‌فرمودند که این نوع خط چنان می‌باید نوشت که در هر حرفی هم ملاحظه اصول نسخ کرده باشد و هم رعایت اصول تعلیق»^۱.

در مسیر تکوین قلم نستعلیق، پس از شکل‌یابی قالب‌های اولیه در مراکز ماند شیراز، میرعلی هروی در نیمه اول قرن دهم هجری، قلم نستعلیق را به کمالی مطلوب در زمان خود رساند و پیرایش نهایی این قلم چه در تغییر کرسی حروف و کلمات و رسیدن به تناسبی معقول میان ضعف و قوت و سطح و دور، در آثار میرعلی اتفاق افتاد. تحول دوم این قلم دوره تثبیت قلم نستعلیق با سبک میرعماد است. وی با بهره‌گیری از خطوط استادان گذشته توانست قلم نستعلیق را به اوج کمال برساند. میرعماد به انحای نستعلیق استحکام بخشید و از نظر زیبایی‌شناسی، این خط را به حدی رساند که «هیچ‌کس پس از او نتوانست نستعلیق را چون او زیبا و استوار بنویسد»^۲. در ابتدای دوره قاجار، حرکت خوش‌نویسی در واقع نوعی تمایل بازگشت به گذشته (دوره صفوی) دارد؛^۳ به‌گونه‌ای که با حمایت فتحعلی‌شاه قاجار و نظر وی مبنی بر احیای سبک نستعلیق میرعماد، تقلید از آثار وی آغاز شد. در ادامه، با فاصله گرفتن خوش‌نویسان از تقلید صرف و مقتضیات زمانی مانند ورود صنعت چاپ به ایران، شاهد تغییراتی در حوزه خوش‌نویسی و به‌ویژه، قلم نستعلیق دوره قاجار هستیم. به‌طورکلی، در این دوره دو تحول اساسی در قالب قلم نستعلیق شکل گرفت: یکی در زمینه سیاه‌مشق و توسط میرزا غلامرضا اصفهانی و دیگری در زمینه کتابت توسط میرزا محمدرضا کلهر.^۴

خوش‌نویسان مطرح شیراز در دوره قاجار

در جدول شماره ۱ نام خوش‌نویسان مطرح شیرازی با ذکر تاریخ وفات‌شان آمده است تا هم‌عصر بودن هر کدام از آن‌ها با یکدیگر و یا فاصله زمانی میان حیات و فعالیت آنان مشخص شود و از این طریق تأثیرپذیری و یا تأثیرگذار بودن هر کدام قابل بررسی باشد. در ادامه به‌طور خلاصه به شرح احوال و بررسی

۱. یعقوب بن حسن سراج شیرازی، تحفة المبین، به‌کوشش کرامت رعنا حسینی و ایرج افشار (تهران: نقطه و میراث مکتوب، ۱۳۷۶ش)، ۱۴۲-۱۴۳.

۲. امیر فلسفی، نگاهی به ترکیب در نستعلیق (تهران: یساولی، ۱۳۹۵ش)، ۶۲.

۳. منصور چهرازی ابوالحسنی، بررسی روند تاریخی - هنری خط نستعلیق در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ. دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷ش، ۷۹.

۴. حلیمه غریبی، بررسی هنر خوش‌نویسی از صفویه تا قاجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود، ۱۳۸۸ش، ۱۳۶، ۱۳۷.

ویژگی‌های قلم آن‌ها پرداخته می‌شود.

ردیف	خوش‌نویس	وفات		محل دفن	آثار شاخص	پادشاهان هم‌عصر	خوش‌نویسان مطرح هم‌عصر
		شمسی	قمری				
۱	آقا فتحعلی حجاب شیرازی	۱۲۶۹	۱۲۳۲	شیراز، حرم شاه‌چراغ	مرقعات، چلیپا، سیاه‌مشق	محمدشاه، ناصرالدین‌شاه	عباس نوری، میرزا اسدالله، محمدحسین شیرازی
۲	میرزا اسدالله شیرازی	۱۲۶۹ یا ۱۳۰۷	۱۲۳۲ یا ۱۲۶۹	عتبات عالیات	مرقعات، چلیپا، سیاه‌مشق	محمدشاه، ناصرالدین‌شاه	عباس نوری، آقا فتحعلی حجاب، محمدحسین شیرازی
۳	محمدحسین شیرازی	حدود ۱۳۱۶	حدود ۱۲۷۷	نامعلوم	کتابت، مرقعات، سیاه‌مشق	ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه	میرزا غلامرضا، آقا فتحعلی حجاب، میرزا اسدالله
۴	میرزا علی‌تقی شیرازی	۱۳۴۵	۱۳۰۶	دارالسلام شیراز	کتابت، کتیبه سنگ	محمدعلی‌شاه، احمدشاه	محمد رضا کلهر، میرزا غلامرضا

جدول (۱) خوش‌نویسان مطرح شیراز در دوره قاجار

آقا فتحعلی حجاب شیرازی (عمدة الکُتاب): آقا فتحعلی از نستعلیق‌نویسان ممتاز دوره قاجار بود. پدر او آقا محمدجعفر حکاک شیرازی از حکاکان نام‌آشنای عصر خود و آشنا با هنر خوش‌نویسی بود. او از کودکی در کنار پدر به خوش‌نویسی پرداخت و پس از سپری کردن دوران مقدماتی تعلیمات و آموزش خوش‌نویسی و حکاکی، به حضور هنرمند آن زمان، وصال شیرازی، راه یافت و به تحصیل کمالات هنر و معارف و اخلاق پرداخت و از شاگردان ممتاز و مورد توجه آن استاد شد. «وی در نزد وصال کلیه فنون و ادب، هنر و خوش‌نویسی را فراگرفت تا جایی که برخی از منتقدان و خط‌شناسان قلم وی را برتر از کارهای نستعلیق‌استاد می‌دانند»^۱. آقا فتحعلی در فرآیند آموزش، چنان با دقت و ممارست از روی آثار میرعماد مشق کرده بود که خیلی از اساتید خط را به اشتباه می‌برد؛ چنان‌که تفاوتی بین خط آقا فتحعلی و میرعماد قائل نمی‌شدند: «آقا فتحعلی در خط نستعلیق چنان پیشرفت کرد و خط نسخ تعلیق را به جایی رسانید که اغلب بر روی کاغذهای کهنه با مرکب کم‌رنگ، چیزی می‌نوشت و نزد ارباب خط می‌فرستاد، همه تصدیق

۱. قاسم احسن، میرعماد تا حجاب شیرازی (شیراز: افق پرواز، ۱۳۸۶ش)، ۱۸.

می‌کردند که خط میرعماد است»^۱. البته وی بعدها تصرفات ظریفی در شیوه نگارش خود داشت و عیوب و عدم چشم‌نوازی در کارهای گذشتگان را در آثار خود برطرف کرد که همین امر باعث شیرین و خوش‌تر شدن آثارش شده است.^۲ آوازه هنر حجاب در زمان زندگانش از ایران فراتر رفت؛ تا آن‌جا که در سال ۱۲۶۶ق بنا به دعوت نظام‌الملک فرماندار دکن، عازم سرزمین هند شد.^۳ آقا فتحعلی حجاب پس از بازگشت از سفر هندوستان در رجب سال ۱۲۶۹ق درگذشت و در حرم حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ) به خاک سپرده شد (تصویر ۳).



تصویر ۳) بخشی از مناجات خواجه عبدالله انصاری، آقا فتحعلی حجاب شیرازی (طاووسی، ۱۱۶)

اسدالله شیرازی؛ اسدالله از زمینه‌سازان پیدایش و شکل‌گیری جریان‌های مهم در نستعلیق دوره قاجار بود. او در دوره فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه قاجار در دربار حضور داشته و محمدشاه لقب «کاتب السلطانی» را به وی اعطا کرد. او خود را از تربیت‌یافتگان محمدشاه قاجار می‌دانست و در انجامه کتابت‌ها به نیکی و بزرگی از وی یاد کرده است. «میرزا اسدالله با اینکه در زمان خود و بعد از وفاتش شهرت فراوان حاصل کرده است و با اینکه خط را با ملاحظه می‌نوشت و شیوه میرعماد را خوب تقلید می‌کرد، استواری و قوام خطوط استادان درجه اول، حتی خوش‌نویسان معاصر خود، مانند میرزا عباس نوری و میرزا فتحعلی حجاب و محمدحسین شیرازی را نداشت»^۴. اسدالله به خواست محمدشاه قاجار، بسیاری از آثار میرعماد را نقل کرده است و همانند خوش‌نویسان معاصرش (میرزا عباس نوری و

۱. مهدی بیانی، آثار و احوال خوش‌نویسان (تهران: علمی، ۱۳۶۳ش)، ۵۶۶.

۲. آقا فتحعلی علاوه بر خوش‌نویسی، شعر هم می‌گفت و حجاب را تخلص می‌کرد و آن را در امضای آثار خود نیز به جا گذاشته است. وی چون دیگر شاعران عصر قاجار از شیوه شاعران کهن ایران پیروی می‌کرد. او قصیده و غزل می‌سرود، مردی عاشق پیشه، لطیف خیال و باریک اندیش و حساس بود؛ محمود طاووسی، آقا فتحعلی حجاب شیرازی (شیراز: نوید شیراز، ۱۳۷۴ش)، ۱۱.

۳. همان، ۱۳۴.

۴. بیانی، آثار و احوال خوش‌نویسان، ۶۱.

آفاتحعلی حجاب) علاقه‌ای به نقل عینی نداشته و اکثراً سلیقه خویش را در نقل آثار دخالت می‌داده و به جای مثنی برداری عینی، به دنبال نقل آزاد و البته به همراه دقت و ریزبینی و نیز حضور شخصیت هنری خود در نقل آثار بود.

«شمار کتاب‌هایی که نگاشته، نشانگر این نکته است که وی به قطعه‌نویسی علاقه‌مند بوده و میل چندانی به کتابت‌های سنگین نداشته است. اما در سیاه‌مشق نویسی می‌توان وی را حلقه اتصال سیاه‌مشق نویسی صفویه به اواسط قاجار دانست و در این زمینه سبکی مستقل یافته است»^۱. اسدالله در سیاه‌مشق به افق‌های تازه‌ای دست یافت؛ به طوری که نگاه جدید وی به نوع ترکیب‌بندی و نیز اجرای استادانه مفردات در سیاه‌مشق‌ها، الگوی گران‌بهایی برای استادانی چون میرحسین و میرزا غلامرضای اصفهانی بوده است. «اسدالله سیاه‌مشق‌های گوناگونی آفریده که بسیار قابل مطالعه است. وی مرزهای ناشناخته‌ای از سیاه‌مشق نویسی نستعلیق را کشف کرده و راه را برای دیگر هنرمندان هموار کرده است»^۲. یکی از امتیازات و جلوه‌های جذاب آثار وی علاقه به تقنن و استفاده از مرکب‌های رنگی و به اصطلاح «رنگه‌نویسی» بود و بسیاری از آثارش به رنگ‌های طلایی، سفید و الوان نوشته شده است (تصویر ۴).



تصویر ۴) زیارت‌نامه، سنه ۱۲۶۶ق، موزه آستان حضرت عبدالعظیم (قلیج‌خانی ۱۳۹۳ش، ۴۳)

محمدحسین شیرازی؛ محمدحسین یکی دیگر از چهره‌های مطرح خوش‌نویسی شیراز در دوره قاجار است. محمدحسین شیرازی در پایان نسخه مثنوی مولانا که خود کتابت کرده و هم‌اکنون در موزه کاخ گلستان نگهداری می‌شود، مختصری از زندگی و چگونگی ورودش به دربار ناصرالدین‌شاه را مکتوب کرده است: «پس از آنکه خط من صورت خوش یافت، جزوه‌ای از مثنوی مولانا را کتابت کردم و به تهران آمدم و با اصناف مردم محشور شدم؛ تا روزی به یکی از خاصان دربار ناصرالدین‌شاه برخورددم و او متعهد شد که اوراق نوشته مثنوی را به عرض شاه برساند. پس از گذشت زمانی، به پایمردی وی به پیشگاه شاه

۱. حمیدرضا قلیج‌خانی، اسدالله شیرازی (تهران: پیکره، ۱۳۹۳ش)، ۱۳.

۲. همان، ۱۶.

شرفیاب شدم و از خط من تمجید و به تکمیل مثنوی مأمورم کرد. در قلیل مدت استکتاب نسخه را به پایان رساندم و تقدیم داشتم و این در تاریخ ۱۲۷۹ بود.^۱

ظاهراً بعد از این اتفاق خوش‌یمن، محمدحسین شیرازی توجه ناصرالدین شاه را به خود جلب کرد و ملقب به «کاتب السلطان» شد. وی تا پایان عمر ناصرالدین شاه^۲ و بعد از آن در زمان پادشاهی مظفرالدین شاه در دربار قاجار به امر کتابت اشتغال داشت. بسیاری از آثار او به بهترین شکل ممکن و کمترین آسیب در موزه کتابخانه سلطنتی نگهداری می‌شود؛ هرچند که کتابت صرفاً درباری او باعث شد کمتر از خوش‌نویسان هم‌عصر خود در بین عموم شناخته شود. تاریخ آثار بازمانده از محمدحسین شیرازی نشان می‌دهد که وی از سال ۱۲۶۰ تا ۱۳۱۶ق آثار استادانه بسیاری خلق کرده است و در بیش‌تر دوره ناصرالدین شاه و نخستین سال‌های سلطنت مظفرالدین شاه کاتب مقرر بوده است.^۳ محمدحسین از جمله خوش‌نویسانی بود که در پایان مکتوباتش شرح مختصری از خود، بیان احساسات و افکارش ارائه داده است. وی در اواخر عمرش علاوه بر عنوان «کاتب السلطان» از لقب «مستوفی همایونی» نیز در رقم‌هایش استفاده کرده است (تصویر ۵).



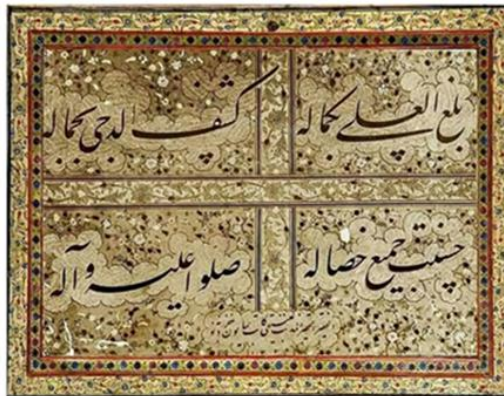
تصویر ۵) مناجات خواجه عبدالله انصاری، سنه ۱۲۷۳ق، موزه رضا عباسی (قلیچ‌خانی ۱۳۹۴ش، ۱۸)

۱. بیانی، آثار و احوال خوش‌نویسان، ۶۸۹.

۲. وی در انجامه دیوان منوچهری چنین آورده است: «ناصرالدین شاه قاجار - لازال منصوراً بنصرالله و مؤید بتأییده - همواره در بضاعت این بنده درگاه به نظر مرحمت و تشویق دیده و به عنایت رجوع خدمت سرفراز فرموده‌اند؛ لهذا خط این بی‌بضاعت زیوری تمام یافته و به کسوتی شاهدانه در نظر خاص و عام جلوه‌گر آمده؛ سزد که به این موهبت سر افتخار به اوج ماه رساند و در میان ارباب این صنعت به مزید اعتبار استظهار جوید؛ چنان‌که امر همایون در حق این بنده به استکتاب دواوین شعرای ترکستان شرف نفاذ یافته بود و بنده درگاه آسمان‌جاء این خدمت را به انجام رسانید و لله المنه و التأيید و انا العبد، کاتب الحضرت السلطانی، محمدحسین شیرازی فی شهر ذی حجة الحرام سنة ۱۲۸۴».

۳. حمیدرضا قلیچ‌خانی، محمدحسین شیرازی (تهران: پیکره، ۱۳۹۴ش)، ۱۰.

میرزا علی نقی شیرازی؛ میرزا علی نقی از کاتبان زبردست و برجسته دوران احمدشاه قاجار و ملقب به «کاتب همایون» بوده است. پدرش میرزا یوسف مذهب‌باشی شیرازی از تذهیب‌کاران مطرح عهد خود بود. میرزایوسف شش فرزند داشت که همه اهل هنر بودند. علی نقی و فضل‌الله به خوش‌نویسی، محمود و اسدالله به امر تذهیب و نقش‌زدن و محمدحسین و احمد به امر صحافی اشتغال داشتند. از نکات مهم در بسیاری از آثار میرزا علی نقی این است که همهٔ امور مربوط به تهیهٔ یک نسخه اعم از خوش‌نویسی، تذهیب، صحافی و مجلدسازی در کارگاه خانوادگی و توسط برادرانش انجام می‌گرفته است.^۱ میرزا علی نقی معاصر و مصاحب شوریده شیرازی، فصیح‌الملک، بوده و همین امر در رأی و نظر ادبی او در کتابت دیوان‌های شعرا مؤثر بوده است. وی علاوه بر کتابت، سنگ‌نوشته‌های نفیس و بسیار خوش خطی را در کارنامه خود دارد که از آن جمله، شش سنگ‌نوشته برای عمارت باغ ارم و چندین سنگ مزار از خاندان قوام در آرامگاه حافظیه را می‌توان نام برد (تصویر ۶).



تصویر ۶) قطعه دو سطری، رقم: «الفقیر المذنب علی نقی کاتب همایون غفر ذنوبه»

معرفی شاخصه‌های قلم خوش‌نویسان شیرازی دوره قاجار

در فرایند بررسی فن‌شناسی و معرفی ویژگی‌های قلم در آثار خوش‌نویسی با نظر به رساله‌های آموزشی خوش‌نویسی اساتید قدیم، با دو نکته اساسی مواجه‌ایم که ملاک‌های «خط خوب» را برای ما مشخص می‌کند: نخست حُسن تشکیل و دوم حُسن وضع؛ به طوری که «قواعد دوازده‌گانه»^۲ به اضافه ارسال، صعود و نزول حقیقی، تشمیر، سواد و بیاض با ملحقات و لوازم آن‌ها همه به چهار قاعده «اصول»، «نسبت»،

۱. هاشمی‌نژاد، سبک‌شناسی خوش‌نویسان قاجار، ۷۱.

۲. ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی، اصول، صفا، شأن.

«ترکیب» و «کرسی» بازگشت کرده و خلاصه می‌شوند که (... اصول و نسبت، بیان حُسن تشکیل و ترکیب و کرسی، بیان حُسن وضع می‌کند).^۱

گام نخست در کمال یافتن حُسن تشکیل خط، اجرای درست حروف و مفردات است. اجرای درست تناسبات حروف مفرد در ضعف، قوت، سطح و دور و نیز ترکیب درست چند حرف در ساخت کلمات و سطور از دیگر ملاک‌های رسیدن به خط مطلوب است.^۲ همچنین تمرین و ممارست در مشق عملی و نظری، خلاقیت در چگونگی تشکیل فرم حروف و مفردات و نیز ترکیب‌بندی و توسعه قابلیت‌های یک قالب (کتابت، چلیپا، سیاه‌مشق و...) مواردی هستند که به واسطه آن خوش‌نویس می‌تواند بر شیوه خاص خود تسلط یابد. چنان‌که میرعماد حسنی در قالب چلیپا، میرزا غلامرضا اصفهانی در قالب سیاه‌مشق و میرزا محمدرضا کلهر در قالب کتابت توانستند صاحب شیوه و سبک خاص خود بوده و تا به امروز پیروان خود را داشته باشند.

در این بخش به منظور بررسی ویژگی‌های قلم چهار نستعلیق‌نویس شیرازی، نمونه آثاری از میان ۱۱۸ قطعه از آثار آقافتحعلی شیرازی، ۵۴ قطعه از آثار میرزا اسدالله شیرازی، ۱۰۰ قطعه از آثار محمدحسین شیرازی از نوع چلیپا، سطرنویسی، کتابت و سیاه‌مشق و افزون بر آن، نمونه آثار میرزا علی‌نقی شیرازی از میان ۴ قطعه کتابت (از جمله یک دیوان کامل حافظ) بررسی شده است. همچنین با توجه به اینکه از میان چهار خوش‌نویس برشمرده، قالب کتیبه‌نگاری بیش‌تر از سوی میرزا علی‌نقی شیرازی صورت می‌پذیرفته و از سه خوش‌نویس دیگر کتیبه‌نگاری بدست نیامده، ۱۴ قطعه کتیبه و سنگ‌نوشته از وی جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است.

چنان‌که در مقدمه اشاره شد، در فرایند فن‌شناسی و معرفی ویژگی‌های قلم خوش‌نویسی، ابتدا حروف و مفردات این چهار خوش‌نویس مورد واکاوی قرار گرفته و تفاوت‌ها و شباهت‌های هر کدام مشخص و با قلم میرعمادحسینی مقایسه می‌شود (شکل ۷). در ادامه، به چگونگی ترکیب‌بندی در آثار هر کدام از این خوش‌نویسان پرداخته می‌شود و شیوه نوشتن کلمات، اندازه آن‌ها (دانگ‌نویسی)، فضای مثبت و منفی میان حروف و کلمات، شناخت مرکزیت قلم و نهایتاً قالب‌های نوشتاری شاخص هر یک بررسی خواهد شد. تحلیل این آثار نیازمند دانش و هنر خوش‌نویسی بود که این مهم از طریق مصاحبه با اساتید مطرح حاصل شده است.^۳ گفتنی است که در تحلیل قلم این خوش‌نویسان، تنها ویژگی‌ها و شاخصه‌های متمایز آن‌ها (از شیوه معمول نستعلیق‌نویسی) مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. فضائلی، تعلم خط، ۸۰.

۲. امان‌الله پاک‌راد، مبانی ترکیب در نستعلیق (تهران: برگ‌نو، ۱۳۹۳ش)، ۴۱.

۳. از جمله این استادان می‌توان به استاد علی شیرازی، استاد قاسم احسنت و استاد علیرضا تل‌جنگانی اشاره داشت.

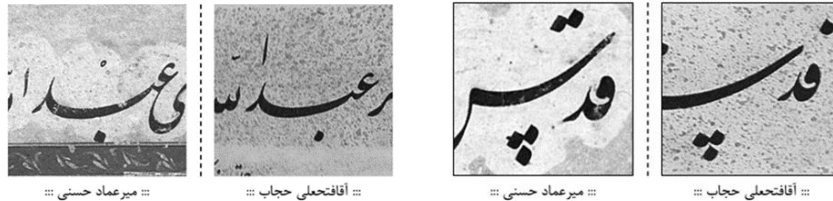
بررسی آثار آقافتحعلی حجاب شیرازی

از خصوصیات مهم قلم نستعلیق دوره قاجار این است که در ابتدا همه تابع خط میرعماد بوده‌اند و به‌نوعی کمال خط در نزدیکی و شباهت با خط میرعماد سنجیده می‌شد. آقافتحعلی حجاب نیز از جمله خوش‌نویسانی بود که شیوه میرعماد را به‌خوبی تقلید کرد؛ به‌طوری‌که در برخی از آثار تفاوت خطوط قابل تشخیص نیست. بنابراین، حروف و مفردات آثار او شباهت بسیاری به شیوه میرعماد دارد (تصویر ۷). همچنین در آثار وی، فضای منفی باز، فضای منفی بسته و فضای منفی بین حروف و کلمات، بسیار شبیه به شیوه میرعماد است. در تصویر ۸ به‌طور نمونه، دو برش از خط میرعماد و آقافتحعلی برای بررسی فضاهای منفی باز و بسته آورده شده است. فضای منفی زیر قاف و دال در برش آقافتحعلی کاملاً با فضای منفی باز در برش میرعماد منطبق است. همچنین در تصویر ۹، نوع کشش مدها در «تا» و «عبد» و همچنین اتصالات م به ح، ح به تا و نیز ع به باء و فضای منفی باز بین این حروف بسیار به برش‌های میرعماد شباهت دارد.

میرعماد حسنی	آقافتحعلی حجاب	میرزا اسدالله	محمدحسین	میرزا علیبنقی	میرعماد حسنی	آقافتحعلی حجاب	میرزا اسدالله	محمدحسین	میرزا علیبنقی
ا	ا	ا	ا	ا	ط	ط	ط	ط	ط
ب	ب	ب	ب	ب	ع	ع	ع	ع	ع
پ	پ	پ	پ	پ	ز	ز	ز	ز	ز
چ	چ	چ	چ	چ	ح	ح	ح	ح	ح
ح	ح	ح	ح	ح	ز	ز	ز	ز	ز
ط	ط	ط	ط	ط	ر	ر	ر	ر	ر
ز	ز	ز	ز	ز	س	س	س	س	س
ح	ح	ح	ح	ح	س	س	س	س	س
ص	ص	ص	ص	ص	ی	ی	ی	ی	ی
ص	ص	ص	ص	ص	ع	ع	ع	ع	ع

تصویر ۷) معرفی مفردات چهار خوش‌نویس شیرازی با شاخص مفردات میرعماد

علاوه بر تمرکز آفاتحعلی بر نقل دقیق از آثار میرعماد، او در برخی از قطعات با توجه به فضای منفی ایجاد شده در بین کلمات و نیز حروف قبل و بعد، با تغییر در ترکیب یا اجرای حروف، تناسب مطلوب را به بهترین شکل ممکن ایجاد می‌کرد.^۱ در تصویر ۹ در کلمه «عبد» میرعماد با توجه به حرف قبل - حرف «ی» که هم دور دارد و هم در پایین خط کرسی قرار گرفته - مد را با شیب بیش‌تر گرفته تا تناسب بصری رعایت شود، در مقابل، آفاتحعلی در کلمه «عبد» به سبب آنکه حرف قبل، حرف «ر»، با فاصله و کوتاه و روی خط کرسی قرار دارد، مد را با شیب کمتر اجرا کرده تا هم فضای منفی کنترل شود و هم تناسب سطر رعایت شده باشد.

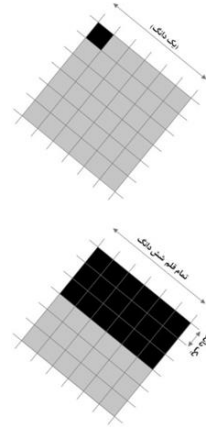


تصاویر ۸ و ۹

بررسی آثار میرزا اسدالله شیرازی

نزدیک کردن نسبت قوت و ضعف در خوش‌نویسی به این معناست که اگر ما پهنای قلم را به شش قسمت (دانگ) تقسیم کنیم و نازک‌ترین قسمت قلم را یک دانگ فرض کنیم، نسبت ضعف و قوت ما می‌شود یک به شش؛ اما اگر نازک‌ترین قسمت را دودانگ در نظر بگیریم و از دو دانگ شروع کنیم، نسبت ضعف و قوت ما دو به شش می‌شود (تصویر ۱۰). هر چه این نسبت کم شود ظرافت خط نیز کم می‌شود و هر چه نسبت بیش‌تر شود، ظرافت خط بیش‌تر و از طرفی نازکی و تیزی خط نیز بیش‌تر می‌شود. رعایت کامل و استادانه نسبت ضعف و قوت و نقش آن در نازکی و تیزی خط، از جمله مواردی است که در آثار میرزا اسدالله شیرازی بیش از سه خوش‌نویس دیگر مشاهده می‌شود؛ به طوری که در بیش‌تر قطعات میرزا اسدالله، نازکی مطلق نه در اتصالات و نه در شماره‌ها دیده نمی‌شود و ضعف و قوت‌ها در اتصالات، متناسب و دقیق اجرا شده است (تصویر ۱۱).

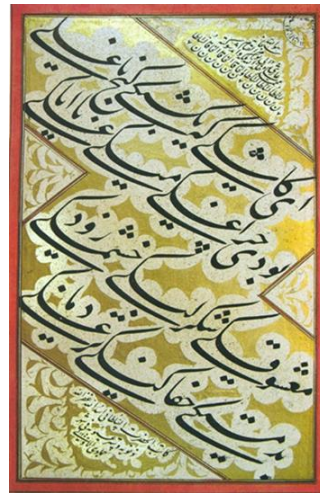
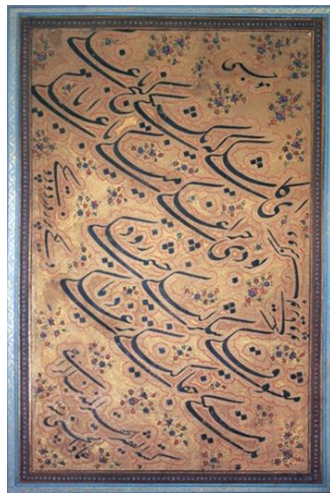
۱. مصاحبه با استاد علی‌رضا تل‌جنگالی.



تصویر ۱۰) سمت راست، دنگ قلم و نسبت ضعف و قوت

تصویر ۱۱) سمت چپ، رنگه نویسی چلیپا، رقم: اسدالله شیرازی (قلیچ خانی ۱۳۹۳ ش، ۴۸)

از جمله شاخصه‌های دیگر قلم میرزا اسدالله، برخلاف بسیاری از خوش‌نویسان هم‌عصر خود، عدم تقلید صرف از آثار میرعماد و دخالت دادن سلیقه در نقل آثار میرعماد است. تصویر ۱۳ که نقل آزاد میرزا اسدالله از چلیپای میرعماد (تصویر ۱۲) را نشان می‌دهد، گواه این مدعاست.



تصویر ۱۲) سمت راست، چلیپا نستعلیق، رقم: میرعماد حسنی سنه ۱۰۱۸ ق (حیدرآبادیان، ۳۰)

تصویر ۱۳) سمت چپ، چلیپا نستعلیق، رقم: اسدالله غفرالله ذنوبه سنه ۱۲۵۶ ق (قلیچ خانی، ۲۷)

از دیگر ویژگی‌های قابل‌تأمل در آثار میرزا اسدالله مشاهده نوعی نوگرایی در آثار سیاه‌مشق او بود؛ به طوری که ترکیب‌بندی‌های دقیق، توجه به فرم و سواد و بیاض، استفاده از رنگ در آثار با رنگه‌نویسی (چه در قطعات و چه در سیاه‌مشق‌ها) وی را از این نظر از خوش‌نویسان معاصرش متمایز ساخت. باید دقت داشت که این نوگرایی‌ها در زمانی اتفاق افتاد که اکثر خوش‌نویسان به دنبال تقلید صرف از آثار میرعماد بودند. در تصویرهای ۱۴ و ۱۵ دو سیاه‌مشق با یک متن و ترکیب، اما با دو شیوه اجرایی متفاوت، یکی به صورت سنتی (مرکب مشکی) و یکی با رنگه‌نویسی توسط اسدالله شیرازی اجرا شده است. نگاه جدید وی به نوع ترکیب‌بندی، اجرای استادانه مفردات و نیز حرکت آزاد و سیال در سیاه‌مشق‌ها، الگوی گران‌بهای را برای استادانی چون میرحسین و میرزا غلامرضای اصفهانی فراهم آورد؛ به طوری که تأثیر شیوه سیاه‌مشق میرزا اسدالله در آثار این دو هنرمند قابل ردیابی است.



تصاویر ۱۴ و ۱۵ سیاه‌مشق نستعلیق، رقم: اسدالله شیرازی (قلیچ‌خانی، ۲۲، ۳۳)

آثار محمدحسین شیرازی

محمدحسین شیرازی نیز یکی از اساتید پیرو مکتب میرعماد در دوره قاجار بود که شیوه میرعماد را به بهترین شکل ممکن اجرا می‌کرد و این مهم از بررسی مفردات وی مشخص می‌شود (تصویر ۷)؛ اما در ادامه فعالیت خود از شیوه میرعماد عبور کرد و به شیوه‌ای متفاوت رسید که از جمله ویژگی‌های آن می‌توان به مواردی مانند جمع‌وجور کردن حروف و اتصالات، گوشت‌دار (ضخیم) نوشتن، تغییر نقطه از شش

دانگ به کوچک‌تر اشاره کرد. گفتنی است که غالباً بسیاری از این ویژگی‌ها را به محمدرضا کلهر در آثار چاپ سنگی‌اش نسبت می‌دهند.^۱

قلم کتابت به‌طور کلی در خدمت متن است و خوانش آن بسیار حائز اهمیت است. حال این خوانش می‌تواند همراه با جنبه‌های هنری یا صرفاً کاربردی باشد؛ مانند کتابت‌های محمدرضا کلهر برای روزنامه که به دلیل محدودیت زمانی نشر، این شکل کتابت را صرفاً کاربردی کرده است. در این میان، به نظر می‌رسد که در آثار محمدحسین شیرازی، نگاه زیبایی‌شناختی و هنرمندانه بر جنبه کاربردی قلم کتابت ارجحیت دارد. در حقیقت هر تک‌برگی که وی کتابت کرده به‌عنوان یک اثر هنری قابل بررسی و دارای عیار هنری است (تصویر ۱۶). در قلم نستعلیق شاید نتوان کاتبی را به پرکاری محمدحسین شیرازی پیدا کرد. همچنین دو اتفاق مهم را در آثار او شاهدیم: یکی تولید ده‌ها اثر تاریخی و نفیس در امر کتابت و دوم قطعات و دوسطری‌هایی که از نفیس‌ترین قطعات نستعلیق در دوره قاجارند.^۲



تصویر ۱۶) سمت راست، کتابت مثنوی مولوی، سنه ۱۲۷۹ق، کتابخانه کاخ گلستان (قلیچ‌خانی، ۳۸)

تصویر ۱۷) سمت چپ، قطعه سیاه مشق، سه بیت از اشعار حافظ، بدون تاریخ، مجموعه شخصی علیخان ظهیرالدوله

(کیاکاظمی، ۱۵)

۱. رضوان لطفی خزایی، «جایگاه خط نستعلیق در عصر قاجار»، ۱۴۲.

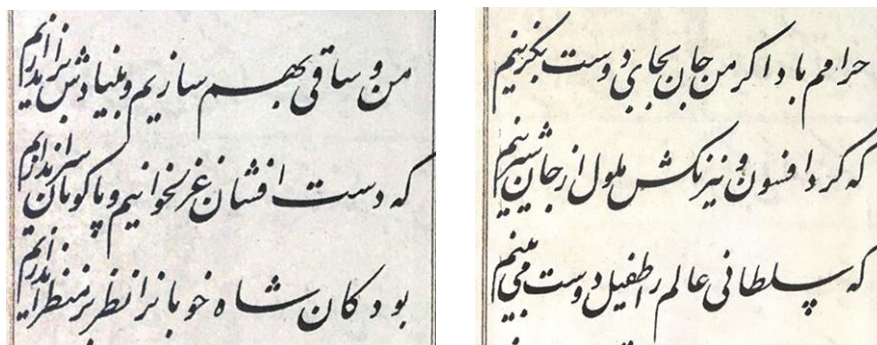
۲. مصاحبه با استاد علی شیرازی و استاد قاسم احسن.

در سیاه‌مشق‌های محمدحسین شیرازی، ویژگی‌هایی مانند ظریف‌نویسی و توجه به خلوت و جلوت دیده می‌شود (تصویر ۱۷)؛ هرچند این آثار به لحاظ فرم و ترکیب‌بندی با استادانی چون میرزاغلامرضا قابل مقایسه نیست. البته نکات مثبتی در سیاه‌مشق‌هایش دیده می‌شود که منحصر به خود اوست که همان وفاداری به اجرای درست مفردات است. این وفاداری در قلم میرزاغلامرضا کمتر دیده می‌شود. یکی دیگر از نکات مهم قلم نستعلیق محمدحسین شیرازی این است که همان اندازه تسلط و استادی که در قلم کتابت از وی سراغ داریم، در دانگ‌های بزرگ هم شاهدیم و ضعفی در اجرای دانگ‌های بزرگ در آثارش دیده نشده است؛^۱ همین شاخصه است که محمدحسین را به یک خوش‌نویس شش دانگ و تمام عیار بدل کرده است.

بررسی آثار میرزا علی‌نقی شیرازی

در آثار میرزا علی‌نقی نیز می‌توان قلمی اصیل و شیوه‌ای منحصر به فرد را مشاهده کرد. البته هم‌زمانی با محمدرضا کلهر و نشر شیوه کلهر از طریق روزنامه و چاپ سنگی در شیوه قلم میرزا علی‌نقی بی‌تأثیر نبوده است؛ همان‌طور که ضخیم‌نویسی، عدم نازکی در اتصالات و شماره‌ها و کوچک کردن اندازه نقطه (کم‌تر از شش دانگ) در کتابت‌های وی دیده می‌شود. در آن زمان، ورود چاپ سنگی و سفارش‌هایی که برای چاپ به خوش‌نویسان داده می‌شد از عوامل مهم پیروی از شیوه کلهر بوده است. در شیوه جدید، نقطه زائد حذف می‌شد و برای کم کردن عرض سطرها از روی هم قرار گرفتن کلمات پرهیز می‌شد. اما میرزا علی‌نقی همچنان که به اجرای کلمات بر اساس استاندارد چاپ سنگی توجه دقیق داشت، از وجه هنری و زیبایی‌شناسی کار نیز غفلت نمی‌کرد. هنگامی که او احساس می‌کرد که برای حفظ تناسب سواد و بیاض گذاردن نقاط اضافی ضرورت دارد، حتماً از آن استفاده کرده و در جاهایی که روی هم قرار گرفتن کلمات به زیبایی صفحه کمک می‌کرد، آن را به کار می‌گرفت (تصویرهای ۱۸ و ۱۹). در بسیاری از قطعات، کتابت منسوب به میرزا علی‌نقی مشاهده می‌شود که وی ضمن رعایت استانداردهای قلم کتابت کلهر، از به کار بردن عناصر و تمهیدات زیباساز موجود در قلم میرعماد نیز غافل نمانده است.

۱. مصاحبه با استاد علی شیرازی.



تصویر ۱۸) سمت راست، استفاده از نقطه اضافه در زیر کلمه سلطانی برای حذف فضای منفی اضافی

و همچنین عدم استفاده از سرکش «گ» در کلمات «بگزینم» و «نیرنگش»

تصویر ۱۹) سمت چپ، روی هم قرار گرفتن کلمات در آخر مصراع‌ها برای ترکیب بهتر در صفحه

علاوه بر کتابت، سنگ‌نوشته‌هایی از میرزا علی نقی در نمای جلوی عمارت باغ ارم شیراز و همچنین سنگ مزارهایی در حافظیه شیراز و قبرستان کهن دارالسلام شیراز با درجه عیار هنری بسیار ممتاز موجود است (تصویر ۲۰).



تصویر ۲۰) کتیبه سنگ مزار عطاءالدوله، رقم: کتبه علی نقی، حجار: سیدابراهیم، مقبره خاندان قوام؛ حافظیه شیراز

نتیجه

توجه، تشویق و حمایت شاهان قاجار نسبت به هنر خوش‌نویسی و خوش‌نویسان با ارسال نامه‌های سفارشی و تأمین مالی هنرمندان و به تبع، توجه والیان و متمولان فارس در به خدمت گرفتن هنرمندان برای

تولید آثار نفیس، از علل مهم رشد و شکوفایی هنر خوش‌نویسی شیراز در این دوره بوده است. همچنین حضور برخی از خوش‌نویسان شیرازی در پایتخت و ارجاع سفارش‌های شاهانه به آن‌ها و به تبع، دسترسی کامل به کتابخانه سلطنتی و آثار گذشتگان، از جمله دیگر عوامل مؤثر در پیشرفت خوش‌نویسان شیرازی بوده است. با توجه به اینکه خوش‌نویسی قاجار میل به شیوه میرعماد داشته است، همه خوش‌نویسان و به ویژه، خوش‌نویسانی که با دربار در ارتباط بوده‌اند، در ابتدای راه به تقلید از آثار میرعماد پرداخته‌اند. برخی بر این شیوه باقی مانده و برخی از آن گذشته و شیوه خاص خود را داشته‌اند. نتایج این پژوهش که با هدف شناسایی شاخصه‌های قلم خوش‌نویسان شیرازی در دوره قاجار انجام گرفت، بدین شرح است: در قلم آقافتحعلی حجاب وفاداری به شیوه قلم میرعماد کاملاً مشهود است؛ تا جایی که ظاهراً وی تمایلی به نوآوری و دنبال کردن شیوه شخصی ندارد و همه وقت خود را صرف نقل دقیق شیوه میرعماد و انتقال آن به نسل بعد کرده است. آقافتحعلی حجاب شیرازی را به حق می‌توان از ناقلان مطرح شیوه میرعماد در دوره قاجار معرفی کرد.

میرزا اسدالله شیرازی با اینکه کاتب السلطان بوده و از عمده وظایفش در کتابخانه دربار، مثنی برداری از آثار میرعماد بود، چندان علاقه‌ای به مثنی برداری دقیق از آثار میرعماد نداشت و همچنان سلیقه و نظر خود را در نقل آثار لحاظ می‌کرد؛ به طوری که نوآوری و تجربه اتفاقات نو در قلم میرزا اسدالله بسیار به چشم می‌خورد. تناسب‌های بیش از حد، چه در قلم کتابت و چه در دانگ‌های بزرگ و توجه به عدم دررفتگی خط (عدم تیزی و نازکی) در دانگ‌های بزرگ از شاخصه‌های قلم اوست. زمانی که هنوز قلم کلهر شکل نگرفته بود، بسیاری از خصوصیات این قلم در آثار میرزا اسدالله دیده می‌شد. در حوزه سیاه‌مشق نیز برخلاف استادان معاصرش علاوه بر اجرای دقیق و متناسب مفردات و کلمات، توجه بصری به ترکیب‌بندی‌ها در خلق آثار، بسیار قابل تأمل است. از دیگر شاخصه‌های قلم میرزا اسدالله توجه به تقنین در خوش‌نویسی است.

محمدحسین شیرازی، از خوش‌نویسان پرکار دربار ملقب به کاتب السلطانی، در حوزه کتابت دربار مشغول بوده است. از ویژگی‌های مهم آثار وی، عدم فراز و نشیب در طول دوره فعالیت است. آثار وی به لحاظ تناسب و نظیف‌نویسی از عیار بسیار بالایی برخوردار است؛ چنانچه هر صفحه از کتابت‌های او به تنهایی یک اثر فاخر هنری محسوب می‌شود. در سیاه‌مشق‌های منسوب به محمدحسین شیرازی، تمیزنویسی، دقت در اجرای کامل مفردات و کلمات و نیز توجه به خلوت و جلوت به وضوح دیده می‌شود؛ اما در ترکیب‌بندی و فرم این آثار همچنان شیوه سیاه‌مشق‌های دوره صفوی و اوایل قاجار قابل ردیابی است.

میرزا علی نقی شیرازی، از خوش‌نویسان اواخر دوره قاجار، ورود صنعت چاپ و شیوه غالب آن زمان را که شیوه کتابت کلهر بوده، درک کرد. نکته مهم در کتابت‌های میرزا علی نقی توجه توأمان به رعایت چارچوب‌های چاپ سنگی (با استانداردهای شیوه کلهر) و معیارهای زیبایی‌شناسی خط با استناد به شیوه میرعماد است. از جمله آثار بسیار ارزشمند میرزا علی نقی می‌توان به تعدادی کتیبه سنگی و سنگ مزار اشاره کرد.

فهرست منابع

- احسنت، قاسم. میرعماد تا حجاب شیرازی. شیراز: افق پرواز، ۱۳۸۶ ش.
- اسحاق‌زاده، روح‌الله و حمید صادقیان، الهام روحانی اصفهانی. «مقایسه ارتباطات بصری در خط نستعلیق بین دو شیوه صفوی و معاصر (میرعماد و امیرخانی)». هنرهای تجسمی (هنرهای زیبا)، شماره ۲۳ (۱۳۹۷ ش): ۴۶-۳۵.
- بیانی، مهدی. آثار و احوال خوش‌نویسان. تهران: علمی، ۱۳۶۳ ش.
- پاک‌راد، امان‌الله. مبانی ترکیب در نستعلیق. تهران: برگ نو، ۱۳۹۳ ش.
- جباری، صداقت. «تکوین و تطوّر خط نستعلیق در سده هشتم و نهم هجری قمری». هنرهای زیبا، شماره ۳۳ (۱۳۸۷ ش): ۸۴-۷۷.
- چهرازی ابوالحسنی، منصور. بررسی روند تاریخی - هنری خط نستعلیق در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷ ش.
- حاج محمدحسینی، همایون و محمد خزایی، مسعود وحدت‌طلب. «تأملی در جریان‌های آغازین خوش‌نویسی نستعلیق در دوره تیموری». مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره ۵ (۱۳۹۵ ش): ۱۲۳-۱۴۰.
- حسینی فسایی، میرزا حسن. فارس‌نامه ناصری. با تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.
- حیدرآبادیان، شهرام. مجموعه منتخبی از آثار میرعماد الحسنی. تهران: موزه رضا عباسی، ۱۳۸۹ ش.
- رضوی فرد، حسین و حسنعلی پورمند. «روش‌شناسی نقد خط نستعلیق». نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، شماره ۲۰ (۱۳۹۶ ش): ۷۹-۱۰۰.
- زعیمی، خسرو. «از نستعلیق تا نستعلیق». هنر و مردم، شماره ۱۸۱ (۱۳۵۶ ش): ۵۴-۳۶.
- سراج شیرازی، یعقوب بن حسن. تحفة المبین. به کوشش کرامت رعناحسینی و ایرج افشار. تهران: نقطه و میراث مکتوب، ۱۳۷۶ ش.
- طاووسی، محمود. آفاقتحلی حجاب شیرازی. شیراز: نوید، ۱۳۷۴ ش.
- غربی، حلیمه. بررسی هنر خوش‌نویسی از صفویه تا قاجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود، ۱۳۸۸ ش.

- فرید، امیر. «بررسی ویژگی‌های بصری حروف در نستعلیق». پژوهش هنر، شماره ۱۰ (۱۳۹۴ش): ۱۰۱-۱۱۳.
- فضائلی، حبیب‌الله. تعلیم خط. تهران: سروش، ۱۳۶۳ش.
- فلسفی، امیر. نگاهی به ترکیب در نستعلیق. تهران: یساولی، ۱۳۹۵ش.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. اسدالله شیرازی. تهران: پیکره، ۱۳۹۳ش.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. آداب المشق باباشاه اصفهانی. تهران: پیکره، ۱۳۹۱ش.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. محمدحسین شیرازی. تهران: پیکره، ۱۳۹۴ش.
- کیاکاظمی، علیرضا. خیال خط. تهران: پیکره، ۱۳۹۱ش.
- لطفی‌خزایی، رضوان. جایگاه خط نستعلیق در عصر قاجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. دانشگاه الزهراء. ۱۳۹۲ش.
- هاشمی‌نژاد، علیرضا. سبک‌شناسی خوش‌نویسی قاجار. تهران: مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری؛ متن، ۱۳۹۳ش.